روزنامه شرق

## هنر


زبان تیغ دو لب است **در گفت‌وگو با عوامل دیوار چهارم** صفحه ۸ و ۹

کارگردانی فراتر از مرزها صفحه ۹

گرفتار در دام زمان / **گفت‌وگو با تام هوپر** صفحه ۱۰


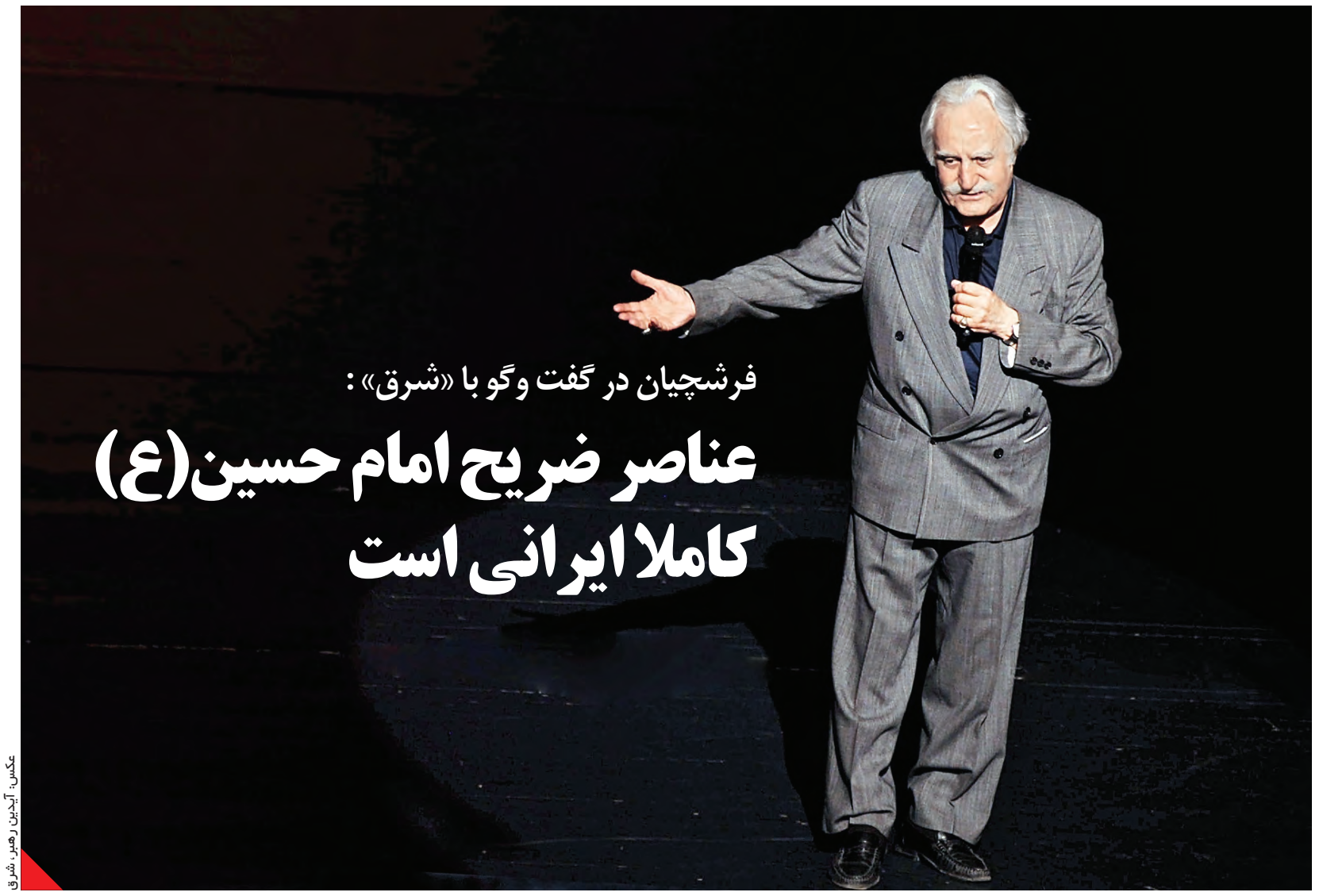

عکس: آیدین رهبر، شرق

فرشچیان در گفت وگو با «شرق»:

# عناصر ضریح امام حسین(ع) کاملا ایرانی است

پرویز براتی

**با «محمود فرشچیان» دوبار تماس گرفتیم. بار اول، چند روز قبل از تاسوعا و عاشورا و بار دوم در آستانه اربعین‌حسینی. بهانه تماس اول، گفت‌وگو در خصوص کم‌وکیف طراحی و ساخت ضریح امام حسین (ع) بود. بهانه دوم اما قدری فرق داشت. حتی تردید داشتیم برای این منظور با او تماس بگیریم یا نه. در هر دو تماس از چگونگی طراحی و ساخت ضریح سوال کردیم و این که چه ارتباطی بین نگارگری و ساخت ضریح هست. با این حال انتشار شایعاتی، درخواست دستمزد از سوی فرشچیان در قبال طراحی و ساخت ضریح، ما را بر آن داشت که نظر این نگارگر ۸۲ ساله را در این زمینه جویا شویم. هر چند همان روزهای ابتدایی انتشار این شایعه، مدیر پروژه ساخت ضریح امام حسین (ع) از بی اساس بودن این شایعه خبر داده و آن را خلاف واقع دانسته بود، با این حال تصمیم گرفتیم نظر محمود فرشچیان را بشنویم. متن زیر، حاصل آن گفت‌وشنود تلفنی است با فرشچیان که این روزها در نیوجرسی واقع در شرق آمریکا اقامت دارد.**

**شما پیش از طراحی ضریح امام حسین(ع)، ضریح امام رضا(ع) را هم طراحی کرده بودید. طراحی و ساخت ضریح امام حسین(ع) چگونه به شما پیشنهادشد؟**

خرداد ۱۳۸۵ هیات امنای محترم ساخت ضریح در قم برای طراحی و ساخت ضریح امام حسین(ع)، فراخوان عام داد و از همه استادان فن، برای این امر مهم دعوت کرد. گویا می‌خواستند همه اساتید در این فراخوان شرکت داشته باشند. به خاطر ارادت و اشتیاقی که به حضرت داشته و دارم، طی شش ماه، شش طرح مختلف آماده کردم و به هیات امنا ارایه دادم؛ طرح‌هایی که مفاهیم مذهبی عمیقا در آنها رعایت شده بود. این هیات، بعد از مدتی نامه‌ای خطاب به من نگاشتند و کار طراحی ضریح را به من محول کردند. سعادت با من یار بود که طرح پیشنهادی مورد قبول قرار گرفت.

**گزینه‌های دیگری برای طراحی و ساخت مدنظر نبود؟**

چرا. افراد دیگری هم تصمیم به این کار داشتند. حتی در خاطرم هست شخصی گفته بود بگذارید من ضریح را برایتان بسازم. صدمیلیون تومان هم به او پول داده بودند و قرارداد بسته شده بود. بعد دیدند کاری که او می‌کند، قوی نیست. آن شخص اعمال نفوذ کرد. بعد سر حساب شدند که از مردم برای ضریح پول گرفته و به حساب خودش ریخته! نمونه طرح‌هایی که داده بود قوی نبود. این بود که طراحی ضریح قسمت ما شد. نکته خیلی مهم این است که تا نظر لطف و خواست ائمه اطهار و امام‌حسین(ع) نباشد این سعادت نصیب هر کسی نمی‌شود. این خواست ایشان بود که ضریح را من بسازم.

**اجرای طرح از چه زمانی آغاز شد؟**

از سال ۱۳۸۵ به ایران آمدم و تمام مراحل طراحی و ساخت را شخصا زیر نظر گرفتم. در مواردی به صورت شبانه‌روز روی طرح کار می‌کردم. سال۸۷ روی طرح نهایی کار کردم و بعد از آن، کار ساخت ضریح شروع شد. طی این شش سال مرتب بین قم و تهران در حال رفت و آمد بودم. در زمان ساخت ضریح حضرت امام رضا(ع) هم مرتب بین تهران و مشهد در حال تردد بودم. یک‌بار هم شش ماه کامل در مشهد ماندم.

**همکاران‌تان چه کسانی بودند؟**

در ساخت ضریح مصطفی خدادادزاده که ضریح امام رضا(ع) را ساخته و قلمزنی کرده بود و برادرشان استاد رضا خدادادزاده که مسوول نقره کاری، جمع‌آوری فلزات و اتصال اجزا بودند، همکاری دلسوزانه‌ای داشتند. خطاطی این ضریح مطهر را استادموحد انجام دادند که از خطاطان بزرگ تاریخ هنر هستند و اعتبار زیادی در طراحی خطوط و خطاطی به این شکل در دنیا دارند. زرگری این کار هم برعهده استادرضا خدادادزاده بود. مهندسی ضریح هم برعهده متخصصان عمران و معماری از جمله مهندس‌عبدالحمید توکلی‌بینا و مهندس مهدی خوش‌نژاد بوده است. نکته مهمی که باید در این جا به آن اشاره کنم این است که کوچک‌ترین حمایتی از اشخاص دیگر به جز مردم در این راه نشد. هزینه ساخت و اجرای تمام ضریح مطهر به همت مردم تامین شد. در این میان اتفاقات جالبی رخ داده است. یک شب در قم عروسی بود. آن شب تمام ماشین‌های این کاروان عروسی می‌ایستند و خانم‌های حاضر در مراسم، طلا و جواهرات خود را برای ساخت این ضریح تقدیم می‌کنند. اقشار متوسط و فقیر هم به ساخت این ضریح کمک کرده‌اند. حتی در خاطر دارم زنی که گونی می‌بافته به ساخت این ضریح کمک کرده است. در قدیم وقتی ضریحی ساخته می‌شد امرا و سلاطین کمک می‌کردند، اما تمام ضریح امام حسین(ع) به همت و کمک مردم ساخته شد.

**حاصل کار چقدر با طرح اولیه نزدیک است؟**

خوشبختانه این ضریح مطهر همان طور که می‌خواستیم طراحی و اجرا شد. می‌توانم به جرات بگویم یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای هنر اسلامی، دینی و ایرانی است. نکته مهم در ساخت این ضریح آن است که کوچکترین شباهتی با دیگر ضریح‌ها ندارد. تمامی نقوش و طراحی‌ها با یکدیگر ارتباط داشته و چشم را به اسماءالله هدایت می‌کند. اندازه‌های این ضریح دقیقا به اندازه ضریح فعلی در کربلا است. نکته مهم این که تمامی عناصر به کار رفته در آن، کاملا ایرانی است و هیچ عنصر خارجی در ساخت این ضریح به کار نرفته و سعی شده حسی روحانی به زائر، القا شود. وزن چوب ضریح مطهر امام حسین(ع)، پنج هزار و ۳۵۰ کیلوگرم؛ وزن نقره‌اش چهار هزار و ۶۰۰ کیلوگرم؛ وزن طلای آن ۱۱۸ کیلو و ۶۵۰ گرم، وزن مس آن ۷۰۰ کیلوگرم و وزن استیل هم ۲۵۰ کیلوگرم است. جنس قسمت عمده بالای ضریح - که طلایی به نظر می‌آید - مس است و روی آن آب طلا داده شده. اما قسمت پایین‌ترش که بالای غرفه‌هاست از طلاست که با طلای خالص کار شده. البته طوری درست شده که به مرور زمان در طول تاریخ ساییده نشود و استحکام خودش را داشته باشد. مساحت پلان ضریح مقدس ۳۳ متر و ۸۶ سانتی متر است. ابعادش پنج متر و چهار سانتی متر در هفت متر و ۳۴ سانتی‌متر است. این ضریح ۲۰ پنجره دارد. عینا به خواست مهندسان و خادمان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) به این شکل ساخته شده و مطابق ضریحی است که در حال حاضر در حرم مطهر آن حضرت قرار دارد تا درست سر جای ضریح کنونی قرار گیرد. دقت شده که از نظر طراحی خطوط، زائری که پای ضریح آن حضرت قرار می‌گیرد چشمش از پایین به بالا هدایت شود و نگاهش با کلمه الله و نام حضرت پیغمبر(ص) تلاقی یابد. کنگره‌هایی هم در دست ساخت است که شش قسمت الله است و در شش گوشه ضریح امام حسین(ع) قرار می‌گیرد.

**ممکن است درباره این طرح نهایی و مشخصه‌های آن قدری توضیح دهید؟**

طراحی ضریح امام حسین(ع) مبتنی بر اصول هندسه ایرانی و اسلامی است. این طرح ابتکاری کاملا جوابگوی نیت‌های زائران برای زیارت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) است. به هیچ عنوان، هیچ گونه شباهتی به ضریح‌های ساخته شده ندارد. البته کسی نمی‌تواند کاری کند که در مقابل عظمت امام‌حسین(ع) کاری باشد. با این حال، به حد توان کم همه دست اندرکاران امر، یک کار باشکوه و عظیمی ساخته شد که بعدها نظیرش نخواهد آمد. چون با ظرافت اجرا شده و بیشتر سعی شده آیات قرآن و احادیث و اسماءالله به کار برده شود. مثلا از کارهای جالبی که در ضریح شده، این است که اطراف ستون‌های ضریح نوشته شده: «اَحَب اللهُ مَن اَحَب حُسَینا»بالای این ستون‌ها، یک ترنج و کتیبه‌ای هست که آیات قرآن روی آن نوشته شده. این اشکال کاملا با آن ستون هماهنگی دارند؛ یعنی ستون پایه آن نوشته‌ای است که بالایش درج شده. اگر نگاه کنید می‌توانید ببینید که مثل فرشته‌ای می‌ماند که دو دستش را رو به آسمان بلند کرده. بناست، کنگره‌هایی دور تا دور ضریح مطهر (بالا و پایین) قرار گیرد. نکته جالب دیگر وجود شش گلدان بزرگ است که گوشه گوشه ضریح قرار دارد و چراغ‌ها از طریق آنها روشن می‌شود. این گلدان‌ها اشاره به آیه «الله نور السموات و الارض» دارد که به صورت مشبک کار شده است.

**طی هفته‌های گذشته، همزمان با اتمام ساخت ضریح امام‌حسین(ع) و انتقال آن به کربلا شایعاتی در مورد درخواست دستمزد برای طراحی و ساخت ضریح از سوی شما، دهان به دهان چرخید. با توجه به دوری از ایران، چه برخورد ذهنی‌ای با این شایعات داشتید؟**

نمی‌دانم منشا این شایعات چیست و چه شخص یا گروهی با چه هدفی این مطالب را منتشر کردند؛ با این حال این نوشته‌ها ماهیت امر را تغییری نمی‌دهد. آن کسی که باید بداند برایش خدمتی انجام داده‌ام، امام‌حسین(ع) است. همان‌طور که می‌دانید هیات امنای ساخت ضریح در قم این شایعات را تکذیب کرده‌اند. بنابراین فکر می‌کنم کسی که این مطالب را نوشته خودش را بی‌آبرو کرده است. شخصا اهمیتی برای این مطالب قایل نیستم و معتقدم منتشرکنندگان این اخبار کذب، خودشان را خراب می‌کنند. باور کنید خدا می‌داند یک ذره به این سخنان اهمیت ندادم. فهمیدم اینها آدم‌های مغرضی هستند که دل‌شان نمی‌خواهد کسی کار مثبتی انجام دهد. این کار از عهده خودشان بر نمی‌آمد و نمی‌آید...

**طراحی ضریح امام حسین(ع) مبتنی بر اصول هندسه ایرانی و اسلامی است. این طرح ابتکاری کاملا جوابگوی نیت‌های زائران برای زیارت حضرت اباعبدالله الحسین(ع) است. به هیچ عنوان، هیچ گونه شباهتی به ضریح‌های ساخته شده ندارد البته کسی نمی‌تواند کاری کند که در مقابل عظمت امام‌حسین(ع) کاری باشد**

**سکوت شما، به این شایعات دامن نمی‌زند؟**

نه! من چه بگویم وقتی هیات امنای قم چندین مرتبه اطلاعیه داده‌اند؟ اعضای هیات امنای قم انسانهای شریف، با خدا و محترمی هستند. اینها وقتی اطلاعیه داده‌اند من دیگر چه بگویم؟ آنها جواب را داده‌اند. به نظر من بهتر است سکوت کنم تا نشان دهم به این مسایل اهمیت نمی‌دهم. خداوند شاهد است که دیناری نگرفته‌ام و خدا را شکر نیازی هم ندارم. خداوند آنقدر به من عطا کرده که بی‌نیاز شده‌ام. من مزدم را قبلا از امام حسین گرفته‌ام! نه تنها در مورد ضریح امام‌حسین(ع) که در مورد ضریح امام‌رضا(ع) هم همین‌طور است. دست‌اندرکاران ساخت ضریح امام‌رضا(ع) می‌خواستند محبت شایانی در حق من بکنند ولی من آن را برگرداندم و گفتم حضرت امام‌رضا(ع) مرحمت فرموده‌اند. حتی از آستان امام‌رضا(ع) دعوت شدم و تعدادی سکه به من دادند. در همان جلسه سکه‌ها را به نماینده آستان قدس رضوی دادم و گفتم تمام این کارها برای امام‌رضا(ع) است. من چه چیزی بگیرم؟ من چه کرده‌ام که شایسته دریافت مزد باشم؟

**شما مشخصا به عنوان یک نگارگر شهرت دارید. تجربه و دانش نگارگری‌تان چقدر به طراحی و ساخت ضریح کمک کرد؟**

طراحی ضریح، فن به خصوصی است. ظرافت‌ها و مسایل زیبایی‌شناسی که از ملزومات کار نگارگری است، در طراحی ضریح در ذهن من بوده؛ ولی این کار، ورای نگارگری است. باید طرحی که ارایه می‌دهیم توسط قلمزن قابل اجرا باشد. گلبرگی که من کار کردم توسط قلمزنی اجرا شد و ابزارش قلم و چکش بود؛ در حالی که نگارگری، ریزه‌کاری است. طراحی ضریح روند دیگری را می‌طلبد. باید طوری ساخته شود که وقتی زائر از راه دورونزدیک می‌آید و مقابل آن می‌ایستد، بتواند حال و هوای دینی و توسلات خودش را ارایه دهد. بایستی که گلبرگ‌ها، نقوش و فرم‌ها کاملا در جای خود به کار رود. البته شاید خیلی‌ها ندانند که من هفت سال در وین در رشته متالوژی، درس خواندم. تلفیق دانش فنی متالیک با زیبایی‌شناسی و هندسه و هنر اسلامی و ایرانی، کمک زیادی به طراحی این ضریح کرد.

**چه شد در وین در رشته متالیک تحصیل کردید؟**

وین یکی از بزرگترین موزه‌های متالیک دنیا را دارد. سال۱۳۳۲ برای پژوهش و تحقیق روی سبک‌های هنری جهان به اتریش سفر کردم. در این شهر هم زمان با تحصیل هنر، چهارکرسی از این دوره را گذراندم و اطلاعاتی در مورد فلزکاری و برجسته‌کاری کسب کردم.

**از چه زمان به این رشته علاقه مند شدید؟**

باجناق پدرم حاج‌مهدی قلمزن بود. از پنج، شش سالگی که عقلم می‌رسید، در کارگاهش قلمزنی او را تماشا می‌کردم. از همان زمان مجذوب این رشته شدم. گذر ایام من را به وین کشاند تا این که عاقبت، روزی در این شهر درس متالیک را خواندم. این نقوش را با نقوشی که از قبل یاد گرفته بودم تلفیق کردم و توانستم روی ضریح‌ها پیاده کنم. همه این عوامل در به پایان رساندن این پروژه عظیم دخیل بوده و البته به همه اینها، باید ذوق و توانمندی و استعداد بالای هنرمندان و مهندسان ایرانی را اضافه کنیم.

**شما غیر از طراحی و ساخت ضریح مطهر امام‌حسین(ع) و امام‌رضا(ع)، ضریح‌های دیگری هم طراحی کرده‌اید. درباره این ضریح‌ها توضیح می‌دهید؟**

همین‌طور است. کارهای دیگری هم کرده‌ام. مثلا یک پنجره در دارالحجه حضرت امام‌رضا(ع) طراحی کرده‌ام که در ابعاد ۶ در ۲/۵ متر در حال ساخت است. این پنجره درست بالای سر امام‌رضا(ع) رواق دارالحجه قرار دارد که به صورت مشبک و از طلا و نقره ساخته می‌شود. این پنجره را زیر روضه منوره، درست روی قبر مطهر علی بن موسی‌الرضا(ع) طراحی کرده‌ام که کاشی‌کاری شده و خیلی جالب است. ضریح دیگری را هم برای ۷۲ تن شهید کربلا طراحی کرده‌ام که در روضه مطهر امام‌حسین(ع) قرار دارد. برای محل غیبت امام‌زمان(عج) هم پنجره‌ای طراحی کرده‌ام.

**آخرین اثر نگارگری‌تان،«در ستایش پروردگار» نام دارد که در موزه سعدآباد رونمایی شد. کار جدیدی در دست دارید؟**

بناست که یک تابلوی دیگری جایگزین تابلوی «در ستایش پروردگار» در موزه سعدآباد شود و این تابلو به آستان قدس رضوی برده شود. تابلوی جدید، «معراج» نام دارد که می‌خواهم آن را هم به آستان قدس رضوی تقدیم کنم. این تابلو خیلی سخت و پرکار است. البته قرار است طراحی دیگری را برای «شام غریبان» انجام دهم که غرق از طلا خواهد بود. اینها هر کدام در علم زیبایی‌شناسی معنای خودش را دارد. هر چند هنر وقتی به طرف ارایه حس می‌رود یک مقدار با علم زیبایی‌شناسی تنش پیدا می‌کند.

**از مرکز فرهنگی - دینی «نور و دانش» بگویید که در نیوجرسی فعال است. این مرکز چه اهدافی را دنبال می‌کند؟**

مرکز فرهنگی - دینی «نور و دانش» چند بخش دارد. قسمت بالای این مرکز، بخش فرهنگی است که سخنرانی‌ها در آن اجرا می‌شود و پایینش هم مسجد است. سابق بر این در این منطقه، مرکزی که مربوط به شیعیان و ایرانیان باشد وجود نداشت و به همت دوستان، این مکان افتتاح شد و فعالیت‌های خوبی در آن انجام می‌شود. این مرکز، در واقع یک مجتمع مذهبی است و کار سیاسی نمی‌کند. سابق بر این، ساختمان این مرکز یک کلیسا بود. با پرداخت ۵۴۰ هزار دلار این کلیسا را خریداری و آن را به مرکزی اسلامی تبدیل کردم. مرکز نور، از مسایل سیاسی و تنش‌های آن مبراست و گرنه نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد.

---

رواق

## عصاره تمام هنر ایران

بهمن نامورمطلق
پژوهشگر هنر

ساخت ضریح امام حسین (ع) محصول یک کارگاه و یک کار گروهی هنرمندان ایرانی بود. در این اثر بزرگ طراحان، فلزکاران، خاتم‌کاران، خوشنویسان و... در یک فعالیت گروهی به ساخت چنین اثری ارزشمند دست زدند. استاد فرشچیان استاد - کلانتر هنرهای سنتی -ایرانی معاصر به خوبی نقش خویش را به عنوان یک مدیر هنری ایفا کرد. اما از چند جهت می‌توان گفت که فرشچیان تنها نبود. نخست چنانکه گفته شد ساخت چنین اثری محصول کار گروهی هنرمندان است و همانند دیگر هنرهای گروهی همچون معماری نمی‌تواند کاری فردی تلقی گردد. اما آقای فرشچیان میراث‌دار هنر تمام تاریخ ایران است و به نوعی همه هنرمندان بزرگ تاریخ این کشور را نمایندگی می‌کند. به بیان دیگر، فرشچیان انتخاب شد تا از سوی همه هنرمندان ایرانی یکی از عزیزترین و مقدس‌ترین آثار هنر دینی را خلق کند. بر اساس باورهای دینی ما، انتخاب هنر ایرانی و انتخاب هنرمندانی همچون آقای فرشچیان انتخابی ساده یا تصادفی نیست یک انتخاب واقعی، یک لطف حقیقی و یک فیض قدسی از سوی صاحب ضریح است. بنابراین، در ساختن این ضریح تمام هنرمندان ایرانی از روز نخست تا به امروز حضور داشته‌اند. تمام مکاتب هنری از هرات گرفته تا تبریز و از شیراز تا اصفهان همگی سهمی در شکل‌گیری این اثر هنری و دینی ایفا کرده‌اند. بر اساس اصل بینامتنی هنر امروز ایرانی - اسلامی، میراث‌دار تمام تاریخ هنر این مرز و بوم است. بنابراین، ضریح امام حسین(ع) عصاره تمام هنرهای ایرانی محسوب می‌شود. ضریح امام حسین(ع) پیام‌های ضمنی زیادی در خود نهفته دارد. این اثر یادآوری می‌کند که چقدر دین و هنر به هم نزدیکند. آنهایی که دین از هنر یا هنر را از دین جدا می‌کنند نه دین را خوب شناخته‌اند و نه هنر را. این اثر همانند بسیاری آثار مقدس دیگر خط بطلان بر آرای افراطیون دو جناحی کشید که این دو حوزه را جدا و گاهی مغایر یکدیگر فرض کرده‌اند. به همین روی است که فقط اثر هنری است که شایستگی آن را دارد که تا به این حد به امر قدسی نزدیک شود. این هنر است که می‌تواند بخشی از تجلیات زیبایی قدسی را بازنمایی کند. هیچگاه وسایلی که قرار بود روزی برای ضریح استفاده شود به اندازه این ضریح که دیگر یک اثر هنری است موجب جلب نظر و احساس مردم در طول مسیر نمی‌شد. هیچگاه چوب‌های ساج نتراشیده، نقره و مس شکل نگرفته، عاج کار نشده نمی‌توانست به خودی خود چنین کشش و جذبه‌ای را بیافرینند. هنر هنرمندان برجسته باحماسه مردم در مسیر حرکت از قم به سوی کربلا کامل شد. مردمی که با کمک‌های خود امکان ساخت ضریح را فراهم کرده بودند حال به استقبال و بدرقه آن می‌رفتند. مردم دیندار ما با خوانش خویش، خلق هنرمندان برجسته را تکمیل کردند. با وجود اینکه گفته شد این هنرمندان انتخاب شده بودند و این طرح‌ها در یک فرآیندی الهامی صورت گرفته است اما این بدان معنا نیست که اثر خلق شده قابل تامل و حتی نقد نخواهد بود زیرا ذهن و تجربه هنرمندان در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند و هر گاه انسان متنی را می‌آفریند آن متن قابل مطالعه و نقد نیز خواهد بود. اما اکنون و اینجا ساحت نقد نیست، ساحت نظر است.

---

کانسپت

داستان هنرهای مفهومی

## مروری بر آنچه گذشت

علیرضا امیرحاجبی

در این ستون قصد بر این بوده و هست که با نوعی روایت گویی سرراست و ساده البته بدون اجتناب از سهل‌انگاری به سیر پیدایش هنر مفهومی پرداخته تا هرچه بیشتر علاقمندان به هنر معاصر و مفهومی را با برخی از عناصر و شخصیت‌های مهم این هنر آشنا سازیم.

در اینجا ذکر یک نکته بسیار لازم و حیاتی است و آن نحوه نگرش مجموعه‌ای از نورسیدگان به محیط هنری و ذوق‌زدگی آنان نسبت به آشنایی با هنرهای مفهومی است. برخی از این عزیزان بر این گمان هستند که مجموعه آفرینش‌های هنری را می‌توان در حوزه هنرهای مفهومی یافت و بدون هیچگونه آشنایی با مبانی هنرهای تجسمی به دنیای پرفراز و نشیب هنر پا گذاشت. این یک توهم بسیار خطرناک و از سر سهل‌انگاری است. هنرجویان رشته‌های مختلف هنری می‌توانند آزادانه به سراغ هنرهای مفهومی در هر شکل و قیافه آن بروند اما فراموش نکنند که این ورود الزاماتی دارد که اگر به سراغشان نروید در زمان مقتضی آنها به سراغ شما می‌آیند و دستور به بار کردن باقالی بر یک دستگاه حیوان نجیب بارکش خواهند داد و آن زمان است که میگویید ای دل غافل... چرا بطور دقیق به مطالعه ترکیب‌بندی و تمرینات مربوط به آن نپرداختم. ای داد بیداد... چرا بر روی مقوله پرسپکتیو کار نکردم. چرا به ترکیبات رنگ‌ها بی‌توجه بوده‌ام؟ این مشکل به سراغ دوستداران هنر انتزاعی هم می‌آید. زیرا گمان‌شان بر این است که در نهایت باید مانند جکسون پولاک شوند و خلاص. اشتباه بزرگی است که ماجرای‌دار و دسته پولاک و هیجان گرایان آمریکایی را کل داستان دانسته و هنر را با رنگ مالی و رنگ درمانی اشتباه بگیریم. اما در حوزه هنرهای مفهومی وضعیت خطرناک‌تر است. این هشدار را بارها و بارها داده‌ایم که تب تند رسیدن، به سرعت عرق می‌کند. قبل از وقفه‌ای که در انتشار روزنامه «شرق» و در پی آن ستون هفتگی ما حادث شد روایت خود را از

رادیکال‌ترین هنرمندان قرن بیستم یعنی فوتوریست‌های ایتالیایی آغاز کردیم و البته رییس آنها شاعر نامتعادلی به نام فلیپو مارینتی در اوج هیجان از دوستانش خواست تا سوار بر اسب آهنین‌اش شود و آنقدر در جاده‌ها بتازند تا در نهایت ماده تبدیل به انرژی شود. البته در همان پیچ اول یا دوم بود که خودروی گروه فوتوریست‌ها واژگون می‌شود و سر از گودال آب در می‌آورد و اینچنین عشق به سرعت و پرخاشجویی‌شان به گل می‌نشیند. مارینتی این داستان را با آب و تاب فراوان در مقدمه بیانیه فوتوریسم ذکر کرده است. هرچقدر که این بیانیه خود را با تاریخ هنر در دشمنی قرار می‌دهد، بیشتر جایگاهش در تاریخ هنر محکم می‌شود. در حال حاضر این نهضت زودگذر اما تاثیرگذار به عنوان کلاسیک‌ترین مکتب هنری مدرن شناخته می‌شود. از این گفتیم که مخالفت شدید مارینتی و گروه‌اش با موزه‌ها خود انگیزه‌ای بود برای توجه بیشتر به محیط‌هایی که تا آن زمان قرار نبود رویدادی هنری در آن رخ دهد. این یکی از شاخصه‌های اصلی نگاه فوتوریست‌ها بود و شاید در همین زمان بود که نطفه‌های هنرهای مفهومی بخصوص در زمینه هنرهای اجرایی (پرفورمنس) بسته شد. کافه‌ها، سالن‌های کوچک و تنگ شهر میلان و رم حتی کتاب فروشی‌هایی که هیچ تناسبی با هنرهای اجرایی نداشتند مکانی برای خودنمایی فوتوریست‌ها شده بود. پس از این بود که به سراغ نهضت عجیب و دوست‌داشتنی دادا رفتیم و از هانس ریشتر گفتیم و نیز هوگو بال و از همه مهم‌تر تریستان تزارا یک مجنون به معنای کامل. ادا و اطوار تزارا در حین خواندن یک شعر سراسر بی معنی چنان مخاطب را به سمت‌اش جلب میکرد که دیگر زمانی برای تامل جهت فهم اشعار او باقی نمی‌ماند. تزارا با نوعی هذیان‌گویی و تداعی آزاد ذهنی بدون در نظرگرفتن قواعد دستوری و نحوی ادبی چیزهایی می‌گفت که جامعه و تمدن ویکتوریایی آن زمان تا بحال به خود ندیده بود. با افتتاح کاباره ولتر و جمع شدن تعدادی از هنرمندان و ادیبان شورشی، کار دادا در زوریخ بالا گرفت و توجه مردم به آنان جلب شد. نوع موسیقی دادائیست‌ها برای خودش چیزی کاملا منحصر به‌فرد بود اصواتی کاملا تجربی که از دستگاه اختراعی ادگار وارز خارج می‌شد. حال و حرکت‌های تزارا و اشعار هوگو بال از یک طرف و سرو صدای پیانوی دست‌ساز وارز از طرف دیگر کاباره ولتر را رسما تبدیل به اولین مرکز هنر مدرن کرده بود. زمان پیش می‌رود و هنر مفهومی بدون آنکه نامی بر خود داشته باشد سیری تکاملی را پیش‌گرفته است با حضور و درخشش یک ذهن غیر طبیعی. آنتونن آرتو نویسنده، شاعر و بازیگر بزرگ فرانسوی که گفتیم به مانند ژان کوکتو برای مدتی با سورئالیست‌ها معاشرت داشت اما پیش از شدت یافتن یاوه سرایی‌های آندره برتون و لویی آراگون در زمینه سوسیالیسم نجات‌بخش خود را کنار کشید. طاعون اجرایی منحصر بفرد از آرتو در دانشگاه سوربن باعث حیرت همگان شد. این شاید دومین مرحله از تکامل هنرهای مفهومی و اجرایی در اروپا بود. اجرایی متشنج که با تعاریف ایزیدور دوکاس لوترآمون شاعر بلند آوازه فرانسوی در قرن نوزدهم همخوانی داشت. همه به اعتراض پرداختند و آرتو خشمگین از سوربن خارج شد اما این خروجی بزرگ از دایره بسته هنر آکادمیک نیز بود. هنر مفهومی به راه خود ادامه می‌داد البته با چراغ خاموش و بدون سر و صدا. تمام کار در اروپا شکل نمی‌گیرد اما بخش اعظمی از این تکامل در کشورهایی چون آلمان، فرانسه، اسپانیا و سوئیس شکل گرفته است. هنر مفهومی در آمریکا با ساختاری کاملا متفاوت و با ریشه‌هایی کاملا متفاوت‌تر شکل گرفته و در نقطه عطفی به هنر مفهومی اروپایی می‌پیوندد.